علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۸۹ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، زمستان ۱۴۰۴، ص ۹۶-۱۱۲

حقیقت نور در قرآن و روایات با تأکید بر نقش امام علیه‌السلام در هدایت انسان

سیده زهرا علویان بربری[۱] / سید محمّد رضوی[۲] / سید علی ربانی موسویان[۳]

چکیده: درک معرفت‌شناختی از «حقیقت نور» درآیات قرآن کریم، نقشی بنیادین در تبیین سازوکار هدایت انسان ایفا می‌کند و با تمرکز بر امام معصوم علیه‌السلام به‌عنوان مظهر کامل تجلی نور الهی، زمینه‌ساز تعالی معنوی می‌گردد. این پژوهش با هدف تبیین جایگاه امامت در هندسه معرفتی قرآن، تعمیق شناخت نسبت به اهل‌بیت علیهم‌السلام و صیانت از تفسیر صحیح آیات در برابر انحرافات معناشناختی، سامان یافته است. روش تحقیق، اکتشافی-تحلیلی و مبتنی بر رویکرد «تفسیر قرآن به قرآن»، بهره‌گیری از روایات معصومانD، تفاسیر معتبر روایی، منابع کتابخانه‌ای و قاعده تأویلی «جری و تطبیق» است. در این چارچوب، ۳۹ آیه حاوی واژه «نور» و مشتقات آن مورد تحلیل قرار گرفته و سه ساحت مفهومی «امامت»، «علم لدنّی» و «هدایت» شناسایی شده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که امام علیه‌السلام، مصداق تام آیهٔ «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنزَلْنَا» (حدید، ۱۳) است و ایمان به «نور» به عنوان قانون الهی و مجرای هدایت ربّانی، نقش محوری در نظام هستی ایفا می‌کند. همچنین، تقابل نور و ظلمات، بیانگر آن است که فاصله‌گیری از ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، سقوط در تاریکی جهل و نفاق تلقی می‌شود.

کلید واژه: نور. امام. هدایت. قرآن. روایات اهل بیت علیهم‌السلام. تأویل.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Seyed Zahra Alavian Barbari@iau.ir
۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Seyedmohammad.razavi@iau.ir
۳. دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Ali.Rabanimousaviyan@iau.ac.ir

مقدمه

«**نور**» از مفاهیم بنیادین و پرتکرار در قرآن کریم و روایات شیعه است که نقشی محوری در تبیین نسبت میان خالق و مخلوق و سازوکار هدایت ایفا می‌کند، در منابع روایی، به‌ویژه روایت امام رضا علیه‌السلام، نور به عنوان حقیقتی الهی در وجود معصومان علیهم‌السلام متجلی شده است (قمی، ۱۰۴/۲، ۱۴۰۴ق). مفسران شیعه نیز با استناد به آیاتی چون «**فَالْتَمِسُوا نُورًا**» (حدید، ۱۳)، (**وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا**) (نساء، ۱۷۴) و احادیثی نظیر «**خَلَقْتُکَ وَ عَلِيّاً نُوراً**»، جایگاه وجودی و راهبردی امام علیه‌السلام را به مثابه نور هدایت تبیین کرده‌اند (صدوق، ۲۳۶، ۱۳۷۶ش). پژوهش حاضر با تمرکز بر پیوند معنایی و تفسیری میان مفهوم «نور» و «امام علیه‌السلام»، در صدد بازخوانی و بازسازی این ارتباط در چارچوبی نظام‌مند و کمتر کاویده شده در ادبیات تفسیری شیعه است.

«**امامت**» در منظومه معرفتی تشیّع، صرفاً جایگاهی اجتماعی یا تاریخی نیست، بلکه مظهر تجلّی نور الهی در عرصه هستی و جامعه انسانی به شمار می‌آید (کلینی، ۱۹۶/۱، ۱۴۰۵ق). قرآن کریم در تأکید بر این حقیقت می‌فرماید: «**فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا**» (تغابن، ۸)، که به روایت علی‌بن‌ابراهیم قمی، مراد از «نور» در این آیه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است (قمی، ۳۷۱/۲، ۱۴۰۴ق). این نور الهی، که با نور ولایت تفسیر شده است، در پرتو آیه «**أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...**» (نساء، ۵۹) تجلی می‌یابد.

«**علم**» در نظام فکری شیعه، حقیقتی نوری و الهی است که به طور اختصاصی به امام معصوم علیه‌السلام عطا شده است. قرآن در آیه «**جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ**» (مائده، ۱۵) از نوری سخن می‌گوید که در روایات، بر وجود اهل‌بیت علیهم‌السلام تطبیق شده است. امام صادق علیه‌السلام این نور را «نوری در قلب برگزیدگان» می‌داند که مایه هدایت آنان است (مجلسی۲۲۴/۱، ۱۴۰۳ق). همچنین امام باقر علیه‌السلام، در تفسیر آیه «**وَمَنْ عِندَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ**» (رعد، ۴۳)، مصداق «**عِلْمُ الْكِتَابِ**» را امام علی علیه‌السلام معرفی کرده‌اند (کلینی، ۳۱۶/۱، ۱۴۰۵ق).

«**هدایت**»، در ساختار بینشی شیعه، پیوندی وجودی و معرفتی، میان «نور» و «امامت» برقرار می‌سازد. امام معصوم علیهم‌السلام در این دستگاه فکری، تجلی تامّ نور الهی و واسطۀ خروج

انسان از ظلمات جهل به نور معرفت است (بقره، ۲۵۷؛ قمی، ۱۰۴/۲، ۱۴۰۴ق). آیات مرتبط با هدایت، همچون: «**وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ**» (حدید، ۲۸) و «**وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا**» (سجده، ۲۴)، در تفاسیر روایی بر امام علی علیه‌السلام واهل‌بیت علیهم‌السلام تطبیق یافته‌اند (عیاشی، ۲۳۱/۲).

پرسش محوری این پژوهش، تحلیل پیوند وجودی «نور»، «امامت» و «علم امام علیه‌السلام در قرآن و کلام اهل‌بیت علیهم‌السلام و تبیین نقش آن در نظام هدایت انسان است. این مطالعه با رویکرد اکتشافی- تحلیلی و با تکیه بر منابع تفسیری و روایی شیعه، به بازخوانی آیات قرآن در پرتو تفسیر اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌پردازد و افق‌های نوینی در هندسه معرفتی هدایت در اندیشه شیعی ترسیم می‌نماید.

پیشینه پژوهش

مفهوم «حقیقت نورانی اهل‌بیت علیهم‌السلام» از مبانی بنیادین شیعه است که با استناد به آیات و روایات، ارتباط نور و مقام اهل‌بیت علیهم‌السلام را تبیین می‌کند. این آموزه در مطالعات متعدد توسعه یافته است. از جمله:

۱. **تأویل الآیات الظاهرة** (سید شرف‌الدین استرآبادی، قرن۱۰).

۲. مقاله «**مفهوم واژه نور در قرآن**»؛ سکینه نویدی باغی (۱۴۰۰)، به تحلیل نظام‌مند استعاره‌های مرتبط با «نور» پرداخته است.

۳. مقاله «**بررسی اعجاز تشریعی قرآن در سوره نور**»؛ میردریکوند (۱۴۰۰)، ابعاد بیانی، تشریعی و معرفتی سوره را بررسی کرده است.

۴. مقاله «**نامساوی‌های قرآن با محوریت نور و ظلمت**»؛ شیخ حسینی (۱۴۰۱)، تقابل «نور» و «ظلمت»، را با مفاهیم «حسنه» و «سیئه» متناظر دانسته است.

وجه تمایز این پژوهش: با رویکردی **معناشناختی و امامت‌محور**، از مطالعات صرفاً زبانی یا تفسیری رایج متمایز می‌شود. این تمایز با تمرکز مستقل بر پیوند میان نور، قرآن و روایات شیعی (با تأکید بر قاعده تأویلی جری و تطبیق) حاصل شده و خلأ پژوهشی موجود در این زمینه را به طور مؤثری پوشش می‌دهد.

مفهوم‌شناسی واژگان

الف) نور: واژه «نور» ۳۹ بار در قرآن ذکر شده است. فراهیدی آن را به معنای «ایضا و روشنی» دانسته است (فراهیدی، ۲۵/۸، ۱۴۰۹ق)؛ قرشی آن را «روشنایی در برابر ظلمات» می‌داند (قرشی، ۱۲۶/۶، ۱۳۶۴ش).

ب) امام: ماده «امم» به معنای قصد و پیشوایی است، و واژه «امام» ۱۱۴ بار در قرآن آمده است (همایی، ۱۱۱، ۱۳۹۳). در منابع لغوی، پیشوایی که اطاعت شود (فراهیدی، ۴۲۹/۸، ۱۴۰۹ق).

ج) هدایت: از ریشه «هدی» به معنای راهنمایی و نشان‌دادن مسیر است و ۳۱۶ بار در قرآن ذکر شده است (همایی، ۳۰۹، ۱۳۹۳ش). راغب، هدایت را «راهنمایی همراه با لطف» تعریف کرده است (راغب، ۵۱۶، ۱۳۸۷ش). و در منابع لغوی، هدایت در تقابل با «اضلال» است (ابن‌منظور، ۳۹۰/۱۱، ۱۴۱۴ق). در تفاسیر شیعی، «هدایت به امر»، امری ملکوتی و تصرفی باطنی در نفوس است (طباطبایی، ۴۲۸/۱۴، ۱۳۷۴ش)

د) تأویل: تأویل از ریشه «أول» به معنای بازگشت و رجوع است (ابن‌منظور، ۱۲۴/۱، ۱۴۱۴ق). به فرموده امام باقر علیه‌السلام: «**ظهرُهُ تنزیلُهُ و بطنُهُ تأویلُه**» (بحرانی، ۴۶/۱، ۱۴۱۵ق).

یکی از روش‌های ارتباط با قرآن در معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام، استنطاق یا «به نطق آوردن قرآن» است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «**ذَلِکَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ...**»؛ قرآن را به نطق آورید؛ که خود با شما سخن نمی‌گوید؛ من از جانب آن سخن می‌گویم (کلینی، ۶۰/۱، ۱۴۰۵ق). برخی محققان، استنطاق را معادل **تأویل** قرآن دانسته‌اند (بحرانی، ۳۷۸، ۱۹۹۹ق). این رویکرد، بر نقش محوری اهل‌بیت علیهم‌السلام به عنوان مفسران حقیقی و «ناطقان» قرآن تأکید دارد.

تبیین حقیقت نوری امام علیه‌السلام

«نور» در قرآن جایگاهی راهبردی دارد. از آن‌جا که قرآن واجد حیات معنوی و اثرگذاری مستمر است، آیات آن فراتر از زمان نزول، در بسترهای تاریخی و اجتماعی متنوع نیز قابل تطبیق‌اند (عیاشی، ۸۵/۱).

نخستین مواجهه انسان با نور، تجربه‌ای حسی و مادی از پدیده‌هایی چون خورشید

و ماه است: «**وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا**» (نوح، ۱۶؛ فرقان، ۶۱؛ یونس، ۵). با این حال؛ قرآن در آیاتی مانند «**اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...**» (نور، ۳۵)، مفهوم نور را به سطحی متعالی و معنوی ارتقا می‌دهد؛ نوری که مظهر هدایت الهی و تجلی خداوند در دل مؤمنان است: «**نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ**» (طباطبایی، ۱۳۲/۱۵، ۱۳۷۴ش).

قرآن تأکید دارد که ذات الهی فراتر از ادراک حسی و تمثیل‌پذیری است: «**لَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ**» (نحل، ۷۴)؛ «**لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ...**»[1] (انعام، ۱۰۳). اندیشه‌های ژرف به کنه ذات او راه نمی‌یابند (نهج‌البلاغه، ۳۳، ۱۳۷۹).از این‌رو، مفهوم «نور» در قرآن، در افق تأویل و در نسبت با مظاهر الهی، به‌ویژه امامان معصوم علیهم‌السلام، معنا و جایگاه خود را در نظام هدایت می‌یابد.

گرچه قرآن نام امامان معصوم علیهم‌السلام را صریحاً ذکر نکرده[2]، اما اوصاف نور در برخی آیات، بر اهل‌بیت علیهم‌السلام قابل تأویل است. در این راستا، امام رضا علیه‌السلام آیه نور را به اهل‌بیت علیهم‌السلام تطبیق داده و آنان را مظهر هدایت الهی دانسته‌اند (قمی، ۱۰۲/۲، ۱۴۰۴ق؛ کوفی، ۲۸۱، ۱۴۱۰ق؛ عروسی حویزی، ۶۰۲/۳، ۱۴۱۵ق).

مفهوم «نور» در نظام معرفت شناختی قرآن، سه ساحت اصلی را در بر می‌گیرد: «امام علیه‌السلام»، «علم لدنی» و «هدایت».

۱. جایگاه انوار امام علیه‌السلام

براساس روایات، نخستین آفریدگان الهی، انوار مقدس اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده‌اند که از نور الهی آفریده شده و در عرش به تسبیح پرداخته‌اند. بر پایهٔ روایت امام باقر علیه‌السلام، خداوند در عالم ذر، از شیعیان بر ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام پیمان گرفت و ارواح آنان را بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام عرضه داشت، و ایشان این ارواح را بازشناختند (کلینی، ۴۳۷/۱، ۱۴۰۷ق). امام علی علیه‌السلام نیز همراهی خود با انبیاء الهی را چنین بیان کرده‌اند: «**كُنتُ مَعَ الْأَنبِيَاءِ سِرًّا وَ**

---

۱. چشمها او را درنمی‌یابند و اوست که دیدگان را درمی‌آبد.

۲. البته بنابر روایات نام امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در آیه (زخرف، ۴) ذکر شده است: «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ». (نجفی حسینی، ۱۳۹۳، ۶۶۶).

مَعَ رَسُولِ اللهِ جَهرًا» (کاشانی، ۲۶۹/۷، ۱۴۲۳ق). در زیارت حضرت زهرا<نیز اشاره شده است: «**اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا مُمْتَحَنَةُ، قَدِ امْتَحَنَكِ الَّذِي خَلَقَكِ قَبْلَ اَنْ يَخْلُقَكِ**؛ یعنی خداوند تو را پیش از آفرینش دنیوی‌ات آزمود». به نقل از شیخ کلینی، هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر آنکه به نبوت محمدaو ولایت علی علیه‌السلام اقرار و ایمان داشت (کلینی، ۲۴۱/۳، ۱۴۰۵ق).

پیامبر اکرمﷺحقیقت نوری خود و علی علیه‌السلام را نور واحدی دانسته و فرموده‌اند: «**اِنِّي خَلَقْتُكَ وَ عَلِيّاً نُوراً**» (کلینی، ۴۴۰/۱، ۱۴۰۵ق). همچنین در آیه «**فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ...**» (نور، ۳۶)، از خانه‌هایی سخن گفته شده که ساکنانشان همواره به یاد خدا هستند (نور، ۳۷). طبق روایات، این آیات بر اهل‌بیتِ علی علیه‌السلام تطبیق یافته‌اند (سیوطی، ۲۰۳/۶، ۱۴۱۴ق؛ ابن‌مردویه، ۹۸، ۱۴۲۲ق).

در متون روایی، اهل‌بیت؟عهم؟ به عنوان «انوار هدایت» و «مدبّران نظام هستی» معرفی شده‌اند. قرآن نیز در آیاتی چون «**وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا**» (نساء، ۱۷۴)؛ و «**فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا**» (**تغابن، ۸**)، «بر ایمان به خدا، رسول او و «نور» تأکید دارد؛ تعبیری که نه صرفاً گزارشی خبری، بلکه نوعی شهادت الهی و تأکید مؤکد است» (طباطبایی، ۵۰۳/۲۸، ۱۳۷۴ش) این معنا با آیه « **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...**» (نساء، ۵۹) انطباق کامل بر ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام دارد (کلینی، ۴۳۱/۱، ۱۴۰۷ق؛ نجفی‌حسینی، ۸۴۹، ۱۳۹۳ش).

در حقیقت، آیات یاد شده در باب «نور»، **قانون** الهی، و دستورالعملی ربانی است که باید به عنوان قاعده‌ای بنیادین در حیات مؤمنان تحقق یابد. بدین‌سان، ایمان به «نور» و اطاعت از آن، **قانون** الهی و ازلی است که در سرشت انسان و در عالم ذر، تثبیت شده است.

همچنین در تفسیر آیاتی مانند «**سِرَاجاً مُّنِيراً**» (احزاب، ۴۶) و «**وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا**» (فرقان، ۷۴)، امامان علیهم‌السلام به عنوان استمرار نور نبوی و الگوی هدایت متقین معرفی شده‌اند (قمی، ۱۱۷/۲، ۱۴۰۴ق).

تجلی نور امامت

در آموزه‌های توحیدی و روایی، نخستین تجلّی الهی، نوری واحد و جامع است که

مظهر انسان کامل و آیینه تمام‌نمای اسماء و صفات الهی به شمار می‌آید. قرآن از کمال این نور با تعبیر «**وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ**» (صف، ۸؛ توبه، ۳۲؛ تحریم، ۸) یاد می‌کند و روایات، اتمام نور آن را در امامت و ظهورمنجی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دانسته‌اند (نجفی‌حسینی، ۸۳۵، ۱۳۹۳) چنان‌که آمده است: «**وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ**» (صدوق، ۶۱۳/۲، ۱۴۱۳ق). این نور سرچشمه هدایت، علم و رحمت است و امامان معصوم؟عهم؟ تجلّیات تامّ آن به شمار می‌روند.

قرآن در آیهٔ «**فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ**» (زمر، ۲۲)، این نور را به مؤمنان و خردمندان، یعنی «**أُولِي الْأَلْبَابِ**» نسبت می‌دهد (زمر، ۲۱)؛ کسانی که دارای دل‌هایی خاشع[1] و آگاه‌اند (زمر، ۲۳) و محل تجلی نور الهی محسوب می‌شوند.

در نگرش قرآنی و روایی، خلقت جهان، بعثت پیامبران و نزول کتاب، تجلیاتی از نور پروردگار در زمین‌اند: «**وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا**» (زمر، ۶۹). در زیارت جامعه کبیره آمده است: «زمین به نور شما روشن شد». در روایات، امام علیه‌السلام به عنوان منبع نور و حجت خدا در زمین معرفی شده است. امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «امام، ربّ زمین است» (حویزی، ۵۰۳/۴، ۱۴۱۵ق). واژه «رَبّ» در قرآن، معانی متعددی چون مالک، مربّی، سیّد و مدبّر دارد (راغب، ۴۷۵و۱۹۰و۲۵۴، ۱۳۸۷ش) که همگی با مقام امامت سازگارند.

بر اساس منابع حدیثی، امامان؟عهم؟ ارکان دین، نور الهی (کلینی، ۱۹۶و۱۹۴، ۱۴۰۷ق)، وارثان علم انبیا، حاملان اسم اعظم و واسطه‌های فیض در نظام تکوین و تشریع‌اند (مجلسی، ۵۶۱/۱، ۱۴۰۳ق). مفاهیمی چون هدایت (مائده، ۱۶)، صراط مستقیم (شوری، ۵۲)، رحمت (هود، ۱۷)، ایمان (حدید، ۱۲)، بصیرت (بقره، ۱۷)، کتاب و برهان، در پرتو امامت معنا می‌یابند.

از منظر شیعی، آیه «**إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...**» (بقره، ۱۲۴) بر مقامی فراتر از نبوت دلالت دارد (طبرسی، ۳۷۷/۱، ۱۳۶۳ش)، و تعبیر «**لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ**» ضرورت عصمت امام علیه‌السلام حتی پیش از آغاز امامت را بیان می‌کند (طوسی، ۴۴۸/۱، ۱۴۰۲ق؛ طبرسی، ۳۷۷/۱، ۱۳۶۳ش).

---

۱. «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره، ۴۵). ضمیر در «إِنَّهَا» به «الصَّلَاةِ» برمی‌گردد (طوسی، ۲۰۳/۱، ۱۴۰۲ق) و «الصَّلَاةِ» اقامه ولایت علی علیه‌السلام و خاشعان، شیعیان بابصیراند (مجلسی، ۲/۲۶، ۱۴۰۳ق). خاشع را به رسول خدا و حضرت علی علیه‌السلام معنا کرده‌اند (کوفی، ۵۹، ۱۴۱۰ق)

شیعه، شماری از آیات قرآن را ناظر به اصل امامت و ولایت می‌داند؛ از جمله: خلافت الهی (بقره، ۳۰)، گواهی امام (هود، ۱۷)، مباهله (آل‌عمران، ۶۱)، آیه تطهیر (احزاب، ۳۳)، مودت ذوی‌القربی (شوری، ۲۳)، اجتباء و هدایت الهی (حج، ۷۷-۷۸)، و رؤیت اعمال (توبه، ۱۰۵)، آیات «ایتاء» (نساء، ۵۴) و «اصطفاء» (آل‌عمران، ۳۳-۳۴).

در الهیات امامیه، امامت منصبی الهی که به تدبیر امور دینی و دنیوی جامعه می‌پردازد. ابن‌میثم بحرانی این منصب را به عنوان خلافت مستقیم الهی پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تعریف می‌کند (بحرانی، ۱۷۴، ۱۳۷۵ش). امام صادق علیه‌السلام، امامت را جایگاه طهارت و علم نورانی، و امام رضا علیه‌السلام آن را بزرگ‌ترین نعمت الهی توصیف کرده‌اند (عیاشی، ۳۲۲/۱). در روایات، امام علیه‌السلام واسطه فیض الهی دانسته شده و در حدیث «**معرفت به نورانیت**»، شناخت امام علیه‌السلام معادل شناخت خداوند شمرده شده است.

شناخت ولایت امام علی علیه‌السلام به عنوان مظهر تجلی نور الهی، که سیر آن با انبیاء آغاز شده، ارتباطی اساسی با هدایت علمی دارد. بنابراین، بررسی شخصیت، گفتار و رفتار ایشان نیازمند یک پژوهش مستقل و نظام‌مند است.

۲. علم نورانی امام علیه‌السلام

در آموزه‌های امامیه، «علم نورانی» موهبت الهیِ ویژه اولیای معصوم است که ارتباطی معرفتی میان «نور» و «امامت» برقرار می‌سازد امام صادق علیه‌السلام در حدیث «عنوان بصری»[1]، علم را نوری الهی معرفی می‌کنند که خداوند در قلب هر که بخواهد می‌افکند: «**الْعِلْمُ نُورٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ**» (مجلسی، ۲۲۴/۱، ۱۴۱۳ق).

در قرآن، میان «نور» و «کتاب مبین» پیوند معرفتی برقرار شده است (نحل، ۸۹؛ آل‌عمران، ۱۸۴). آیهٔ «**جاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ**» (مائده، ۱۵)، به نزول هم‌زمان نور الهی و کتاب مبین اشاره دارد. همچنین، آیاتی چون «**وَعِندَهُ أُمُّ الْكِتَابِ**» (رعد، ۳۹) و «**وَمَنْ عِندَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ**» (رعد، ۴۳) به جایگاه علمی خاص اولیای الهی دلالت دارند.

---

۱. او که سال‌ها در محافل حدیثی مالک بن انس از فقیهان اهل سنت حضور داشت، در نودسالگی می‌خواست به یادگیری از امام صادق علیه‌السلام روی آورد. (مجلسی، ۲۲۴/۱، ۱۴۱۳ق)

برپایه روایات، «**عِلْمُ الْكِتَابِ**» جامع معارف مکنون الهی است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «به خدا قسم، علم تمام کتاب نزد ماست» (کلینی، ۳۱۶/۱، ۱۴۰۵ق). ایشان، علم را دوگونه می‌دانند: یکی علم مخزون در نزد خدا، و دیگری علمی که به پیامبران، فرشتگان و امامان علیهم‌السلام تعلیم داده شده است؛ دانشی که توان داوری، آگاهی از آینده (منایا و بلایا)، و هدایت امت را برای امامان علیهم‌السلام فراهم می‌سازد (کلینی، ۱۴۷/۱، ۱۴۰۷ق).

در قرآن، آصف بن‌برخیا با بخشی از «علم کتاب»، تخت بلقیس را در لحظه‌ای نزد سلیمان علیه‌السلام حاضر می‌سازد (نمل، ۴۰). به تفسیر امام باقر علیه‌السلام، آیهٔ «**وَمَنْ عِندَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ**» (رعد، ۴۳) به امام علی علیه‌السلام اشاره دارد که دارای علم کامل الکتاب است (عیاشی، ۲۲۱/۲). از آن جا که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خاتم‌النبیین است و علی علیه‌السلام وصیّ او، تمامی کمالات، علوم و معجزات به ایشان منتقل شده است. در همین راستا، آیه «**ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا**» (فاطر، ۳۲) بنابر روایت امام باقر علیه‌السلام، این آیه مخصوص اهل‌بیت علیهم‌السلام است (نجفی حسینی، ۵۷۹، ۱۳۹۳ش).

علامه طباطبایی نیز با استناد به سیاق آیات و روایات، «**الْكِتَابِ**» را بر امام علی علیه‌السلام تطبیق می‌دهد (طباطبایی، ۵۳۰/۱۱، ۱۳۷۴ش). همین برداشت را مفسرانی چون (ثعلبی، ۳۰۳/۵، ۱۴۲۲ق؛ ابن‌مردویه، ۲۶۸، ۱۴۲۲ق؛ ابن‌مغازلی، ۳۱۳، ۱۴۰۳ق) نیز نقل کرده‌اند. امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه، دست‌یافتن به فصل‌الخطاب، بصیرت در معارف قرآن و آگاهی از منایا، بلایا، انساب و قضایا را جلوه‌هایی علم الهی خود معرفی می‌کنند (کوفی، ۳۰۹، ۱۴۱۰ق).

در قرآن، امامان معصوم علیهم‌السلام به عنوان حاملان علم الهی معرفی شده‌اند. آیاتی نظیر «**جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ... وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ**» (فاطر، ۲۵)، «**وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ**» (یس، ۱۲) و «**لا رَطْبٍ وَلا يابِسٍ إِلاّ في كِتابٍ مُبينٍ**» (انعام، ۵۹)، و نیز آیات سوره‌های (نباء، ۲۹)، (نحل، ۸۹)، (حدید، ۲۲) و (بقره، ۱و۲)، بر پیوند میان امام علیه‌السلام، قرآن و علم الهی دلالت دارند. امام صادق علیه‌السلام در روایتی، اهل‌بیت علیهم‌السلام را قطب قرآن و محور تأویل آن معرفی کرده و می‌فرمایند: ««**إنَّ اللهَ جَعَلَ وَلايَتَنا أهلَ البَيتِ قُطبَ القُرآنِ...**» (عیاشی، ۵/۱؛ فیض‌کاشانی، ۲۱/۱، ۱۴۱۵ق). رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز در حدیث ثقلین، قرآن و عترت را دو مرجع هدایت معرفی کرده‌اند: «شما را

به کتاب خدا و عترتم سفارش می‌کنم» (عیاشی، ۲۵۰/۱). در اندیشه امامیه، امام معصوم علیه‌السلام پیوندگاه قرآن و عترت و مجرای تفسیر و فیض الهی است.

علم، پرتویی از نور

در قرآن و روایات، علم معیار هدایت و نشانه برتری بصیرت بر جهل است، از جمله: «**قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ**» (رعد، ۱۶؛ فاطر، ۲۰). قرآن، نابینایی حقیقی را نابینایی دل معرفی می‌کند: «**صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ**» (بقره، ۱۸؛ راغب، ۵۸۸، ۱۳۸۷ش)

امیرالمؤمنین علیه‌السلام دستیابی به معارف اصیل را ویژه اهل‌بیت علیهم‌السلام دانسته‌اند و می‌فرمایند: «جز از ما نگیر، تا از ما باشی»[1] (حرعاملی، ۹۵/۱۸، ۱۴۱۲ق). همچنین، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را «شهر علم» و خود را «دروازه آن» معرفی کرده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۲۶/۳، ۱۴۱۱ق).

از منظر شیعه، علم نبوی در شب قدر نازل شده و در وجود امام علی علیه‌السلام به کمال رسید؛ دانشی فراگیر که شامل گذشته، آینده و اسرار الهی است (کلینی، ۲۴۵/۱، ۱۴۰۵ق).

بر اساس تفسیر امام صادق علیه‌السلام، مقصود از «اهل ذکر» در آیهٔ «**فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ**» (نحل، ۴۳؛ انبیاء، ۷) امامان معصوم‌اند که مرجعیت علمی و دینی پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به آنان واگذار شده است (حرعاملی، ۶۴/۲۷، ۱۴۱۲ق). این ولایتِ علمی و نورانی، تجلّی رحمت الهی و راه رهایی بشر از ظلمات جهل و نفاق به شمار می‌رود.

ظلمات

علم امام علیه‌السلام تجلی نور الهی است و قرآن، «ظلمات» را نماد نافرمانی از **قانون** الهی در نظام‌های جاهلی چون بنی‌امیه و بنی‌عباس معرفی می‌کند: «**وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا**»[2] (نساء۱۴). به تصریح قرآن و روایات، منکران «نور»- **قانون** الهی- کسانی‌اند که بدون علم، هدایت و کتابی روشن با حقیقت به ستیز برخاستند و به نعمت

---

۱. یا کُمَیلُ! لاتَأخُذ إلاّ عَنّا تَکُن مِنّا.

۲. و هر کس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید وی را در آتشی درآورد.

باطنی، یعنی ولایت امام علیه‌السلام ایمان نیاوردند: «...**بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ**» (لقمان، ۲۰؛ حج۸ -۹؛ قمی، ۱۶۶/۲، ۱۴۰۴ق).

بر اساس روایتی نبوی، میزان قرب انسان به خداوند با مرتبهٔ عقل او سنجیده می‌شود (کلینی، ۲۱۰/۱، ۱۴۰۵ق). از همین منظر، قرآن در سوره حجرات (آیه، ۲) مؤمنان را از تقدم گفتاری بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نهی می‌کند؛ با این حال، این فرمان در ماجرای «قلم و قرطاس»، با نادیده گرفتن ارادهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و انحراف مسیر خلافت، نقض گردید (مفید، ۱۸۴/۱، ۱۴۱۱ق).

آیهٔ «**الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ... لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ...**» (بقره، ۱۴۶) اشاره دارد که آنان حقیقت «**الْكِتَابَ**» -که امام علیه‌السلام تأویل شده- را مانند شناخت فرزندان خود به روشنی می‌شناسند، اما آگاهانه آن حقیقت را کتمان می‌کنند.

این رویکرد، تلاشی زبانی برای خاموش‌کردن نور الهی است: «**يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ...**» (صف، ۸؛ توبه، ۳۲). اما قرآن تأکید می‌کند که خداوند، نور آنان را می‌گیرد و ایشان را در تاریکی رها می‌سازد: «**ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ**» (بقره، ۱۷)؛ تا جایی که کر، گنگ و کور می‌شوند و راه بازگشت نمی‌یابند (قمی، ۳۰۱/۲، ۱۴۰۴ق)

از منظر امام صادق علیه‌السلام، عقل ابزار بندگی خدا و راه ورود به بهشت است، و عقل حقیقی با نیرنگ ناسازگار است (تمیمی‌آمدی، ۱۲۴، ۱۴۱۰ق). آن حضرت در تفسیر آیه «...**وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ...**» (بقره، ۲۵۷)، پیروی از امامان جور را سبب خروج انسان از نور ایمان به ظلمات کفر می‌دانند (قمی، ۸۴/۱، ۱۳۶۳؛ عیاشی، ۱۳۸/۱). به تعبیر امام علیه‌السلام، برخی با آن‌که بر نور اسلام بودند؛ در اثر پذیرش ولایت طاغوت، به ظلمات کفر فروغلتیدند (نجفی‌حسینی، ۱۱۶، ۱۳۹۳ش). در همین راستا، تفسیر قمی تعبیر «**أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ**» را به پیروان غاصبان حق اهل‌بیت علیهم‌السلام نسبت می‌دهد (قمی، ۸۴/۱، ۱۴۰۴ق).

بر پایه روایات، بی‌بهرگی ایمان و نپذیرفتن قانون «نور» -ولایت امام معصوم علیه‌السلام- در دنیا، موجب محرومیت از نور هدایت در آخرت می‌شود. امام حسین علیه‌السلام با استناد به آیه: «**فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ**» (نور، ۴۰) بر این معنا تأکید دارند (نور، ۴۰؛ قمی، ۱۰۶/۲، ۱۳۶۳ش؛ قمی‌مشهدی، ۳۲۱/۹، ۱۳۶۸ش).

در تفاسیر شیعه، ایمان حقیقی در پرتو ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام معنا می‌یابد (قمی، ۱۴۲/۲، ۱۳۶۳ش). امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در خطبه ۱۵۲ نهج‌البلاغه، امامان را «ولیّ امر الهی» و شرط ورود به بهشت دانسته و انکار آنان را موجب ورود به دوزخ می‌شمارند: «**إلاّ منْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَروهُ**» (بحرانی، ۴۲۹/۳، ۱۳۷۵ش).

۳. هدایت پرتویی از نور

قرآن، هدایت الهی را نوری معرفی می‌کند که انسان را از تاریکی جهل به روشنایی معرفت رهنمون می‌سازد: «**كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ**» (ابراهیم، ۵۱؛ مائده، ۱۶). در تفاسیر شیعه، امام علی علیه‌السلام مصداق «**عِلْمُ الْكِتَابِ**» (رعد، ۴۳)، معرفی شده است؛ از این‌رو، مفاهیم «کتاب» و «نور» در قرآن با ولایت و هدایت امام علیه‌السلام پیوند می‌یابند. همچنین آیه «**إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**» (رعد، ۷) بر ضرورت وجود «هادی» در کنار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تأکید دارد که بنابر روایات تفسیری، پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، بر امام علی علیه‌السلام تطبیق شده است (حویزی، ۴۸۲/۲، ۱۴۱۵ق).

در آیه «...**جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**» (شوری، ۵۲)، «نور» به عنوان وسیلهٔ هدایت الهی و راهی به سوی «**صراط مستقیم**» معرفی شده است. براساس تفسیر امام باقر علیه‌السلام، این «نور» بر امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام تطبیق دارد (قمی، ۲۸/۱، ۱۴۰۴ق) و هدایت به صراط مستقیم جز از طریق ولایت او محقق نمی‌شود (کوفی، ۴۰۰، ۱۴۱۰ق؛ قمی، ۲۷۹/۲، ۱۴۰۴ق). امام علیه‌السلام وارث پیامبران و هادی خلق برای نجات از جهالت و گمراهی است (طوسی، ۱۱۳/۶، ۱۴۰۷ق).

قرآن، ظلمت‌های غفلت بشری را در تقابل با نور هدایت الهی قرار می‌دهد «**وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ**». (انعام، ۱). پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به عنوان تجلی این نور، «**سِرَاجًا مُنِيرًا**» در تاریکی‌های جهل می‌درخشد (فرقان، ۶۱)، و استمرار این نور در قالب امامت تداوم می‌یابد (نوح، ۱۶؛ طباطبایی، ۳۲۶/۱۵، ۱۳۷۴). انتخاب پیامبران و اولیای الهی نیز انتخابی ربّانی و مبتنی برعلم، عصمت و شایستگی معنوی ایشان است: «**اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ**» (انعام، ۱۲۴). (فیض کاشانی، ۵۵/۱؛ ۱۴۱۵ق؛ حرعاملی، ۳۳/۲۷، ۱۴۱۲ق).

نص، به عنوان معیار شناسایی امام علیه‌السلام، استمرار هدایت پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و تداوم نظام تشریع الهی را تضمین می‌کند.

واسطه هدایت

در قرآن، هدایت با نوری همراه است که از سوی خداوندِ عزیز و حکیم نازل می‌شود: «و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید» (حدید، ۲۸؛ انعام، ۱۲۲).

در آموزه‌های شیعه، «نور» هدایت الهی در وجود امام معصوم علیه‌السلام تجلی یافته و مصداق «**نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ**» (انعام، ۹۱؛ مائده، ۴۶، مائده، ۴۴) دانسته شده است. امام علیه‌السلام، مؤمنان را از تاریکی جهل به نور معرفت رهنمون می‌سازد: «**اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ**» (بقره، ۲۵۷؛احزاب، ۴۳؛ حدید، ۹؛ طلاق، ۱۱). به تصریح قرآن، مؤمن از نوری بهره‌مند است که به وسیله آن در مسیر زندگی گام برمی‌دارد (حدید، ۱۲). این «نور»، به تعبیر مفسران شیعه، «نور ولایت» است (نجفی‌حسینی، ۲۰۸، ۱۴۰۹ق) که امکان درک و ارادهٔ فراتر از دیگران را فراهم می‌آورد (طباطبایی، ۴۶۵/۷، ۱۳۷۴ش).

در کلام حدیثی شیعه، شناخت امام علیه‌السلام و پذیرش ولایت او شرط بنیادین هدایت شمرده شده است. چنان‌که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند: «**مَن مَاتَ وَ لَم يَعرِف إمامَ زَمانِهِ ماتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّه**» (حویزی، ۲۸۲/۲، ۱۴۱۵).

قرآن، اولیای الهی را برخوردار از نور الهی و واسطهٔ رستگاری می‌داند: «**وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ**» (حدید، ۱۹). پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام علی علیه‌السلام را برترین صدیق معرفی کرده‌اند (سیوطی، ۷۹۸۸/۱، ۱۴۱۴ق) و امام علی علیه‌السلام تصریح کرده است: من بنده خدا، برادر رسول خدا و صدیق اکبر هستم (حاکم‌نیشابوری، ۱۲۰/۳، ۱۴۱۱ق؛ ابن‌مردویه، ۳۳۱، ۱۴۲۲ق).

در قرآن، امامت مقامی الهی است و مبتنی بر «هدایت به امر» است؛ نوعی پیشوایی، که بر امر خدا تحقق می‌یابد و تخلف‌ناپذیر است: «**وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا**» (سجده، ۲۴؛ انبیاء، ۷۳) و «مقصود از «امر» در این آیات، همان اراده الهی است که در آیات دیگر با تعابیری چون «**إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ**» (یس، ۸۲) و «**وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ**

بِالْبَصَرِ» (قمر، ۵۰) تبیین شده است. به تعبیر برخی مفسران، «این «امر» فراتر از زمان و مکان، و مصون از تغییر و دگرگونی است؛ و حقیقت آن، تجلی عینی اراده الهی در قالب «کُن» است» (کلانتری، ۱۵۶، ۱۳۹۲ش).

نتیجه این‌که هدایت، فراتر از هدایت تشریعی است و به منزلۀ تصرف تکوینی در نفوس برای سوق‌دادن انسان به کمال عمل می‌کند (طباطبایی، ۴۲۸/۱۴، ۱۳۷۴ش). امام علیه‌السلام به عنوان واسطۀ فیض الهی، با خزائن غیبی مرتبط است (حجر، ۲۱؛ کلینی، ۱۹۲/۱، ۱۴۰۷ق). همچنین هدایت حقیقی در گرو تبعیت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و نور (امام علی علیه‌السلام) است که با او نازل شده است: «...**وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ...**» (اعراف، ۱۵۷؛ مجلسی، ۴۰۴/۳۵، ۱۴۰۳ق)، چون به برکت ولایت و علوم آن ذوات مقدّسه، عالم و قلوب همۀ مؤمنان روشن می‌شود.

نتیجه

دقت در مفاد آیات و روایات یاد شده، حقایق ارزنده‌ای را آشکار می‌سازد که در شناخت صحیح از حقیقت نوری امام علیه‌السلام، نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کنند:

نخست؛ تحلیل آیات قرآن و روایات شیعه نشان می‌دهد که «نور» در نظام معرفتی قرآن، مفهومی وجودی است که با سه ساحت اصلی ارتباط دارد: «امامت، علم لدنّی و هدایت». بررسی ۳۹ آیه حاوی واژه «نور» و مشتقات آن، بیانگر تجلی نور الهی در وجود امامان معصوم علیهم‌السلام است. در روایات تفسیری نیز، از جمله تأویل امام رضا علیه‌السلام بر آیات نور، به اهل‌بیت علیهم‌السلام نسبت داده شده است. بدین ترتیب، نور قرآنی با حقیقت امامت هم‌معنا تلقی شده وآیات و روایات مرتبط، نمایانگر قانونی الهی هستند که ایمان و اطاعت از امام علیه‌السلام، اصلی ازلی در سرشت انسان وتثبیت شده در عالم «ذر» محسوب می‌شود.

دوم؛ یکی از مباحث کلیدی، در پیوند میان نور و امامت، مفهوم «علم نورانی» است؛ علمی الهی و غیر اکتسابی که به تصریح امام صادق علیه‌السلام نورالهی در دل اولیای برگزیده افکنده می‌شود. تحلیل آیات قرآن در کنار روایاتی چون «صاحب علم‌الکتاب»:، بیانگر جایگاه علمی منحصر به فرد امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است. این علم نورانی، اساس مقام امامت در تفسیروحی، آگاهی از غیب، و هدایت امت است و در نظام معرفتی قرآن، با حقیقت نور پیوندی ذاتی دارد.

جدول ۱-۱ -فهرست نشانی آیات نور با مشتقات در قرآن کریم					
ردیف	امامت	ردیف	علم لدنی	ردیف	هدایت
۱	نوح، ۱۶	۱۳	فاطر، ۲۵	۲۳	طلاق، ۱۱
۲	تحریم، ۸	۱۴	فاطر، ۲۰	۲۴	حدید، ۲۸
۳	تغابن، ۸	۱۵	لقمان، ۲۰	۲۵	حدید، ۱۹
۴	صف، ۸	۱۶	نور، ۴۰	۲۶	حدید، ۱۳
۵	زمر، ۶۹	۱۷	حج، ۸	۲۷	حدید، ۱۲
۶	زمر، ۲۲	۱۸	رعد، ۱۶	۲۸	حدید، ۹
۷	احزاب، ۴۶	۱۹	مائده ۱۵	۲۹	شوری، ۵۲
۸	فرقان، ۶۱	۲۰	آل‌عمران، ۱۸۴	۳۰	احزاب، ۴۳
۹	نور، ۳۵	۲۱	بقره، ۲۵۷	۳۱	ابراهیم، ۵
۱۰	یونس، ۵	۲۲	بقره، ۱۷	۳۲	ابراهیم، ۱
۱۱	توبه، ۳۲			۳۳	اعراف، ۱۵۷
۱۲	نساء، ۱۷۴			۳۴	انعام، ۱۲۲
				۳۵	انعام، ۹۱
				۳۶	انعام، ۱
				۳۷	ماده، ۴۶
				۳۸	مائده، ۴۴
				۳۹	مائده، ۱۶

سوم، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در قرآن، هدایت الهی پیوندی بنیادین با مفهوم «نور» دارد. آیات و روایات مرتبط، دلالت بر ارتباط مفهومی میان نور، ولایت و هدایت دارند؛ مفهومی که در روایات شیعه، بر امام معصوم علیه‌السلام تطبیق یافته است. هدایت در قرآن، فرآیندی ربانی است که بر علم، عصمت و شایستگی معنوی استوار است. در این نظام معرفتی، امام معصوم علیه‌السلام به عنوان واسطه‌ای الهی، انسان را از ظلمات جهل رها کرده و به نور معرفت می‌رساند. ویژگی محوری امام علیه‌السلام، «**هدایت به امر**» است؛ هدایتی که

ناشی از اراده الهی است و هم‌راستا با هدایت تکوینی و ملکوتی عمل می‌کند. با این حال، تحقق نهایی این هدایت ربّانی، منوط به اختیار و پذیرش آگاهانه انسان است.

منابع

*قرآن کریم. ترجمه فولادوند.

* سیدرضی، (۱۳۷۹ش)، **نهج‌البلاغه**، ترجمه محمددشتی. قم، نشرالهادی.

۱.ابن‌مردویه، احمد، (۱۴۲۲ق)، **مناقب علی‌بن‌ابی‌طالب**، جمع وترتیب محمد حسین حرزالدین، قم، دارالحدیث.

۲.ابن‌مغازلی، علی، (۱۴۰۳ق)، **مناقب الامام امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب**، تحقیق محمد باقر المحمودی، بیروت، دارالاضواء.

۳.ابن‌منظور، محمد بن‌مکرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان‌العرب**، چاپ سوم بیروت، دار صادر.

۴.بحرانی، ابن‌میثم، (۱۳۷۵ش)، **شرح نهج‌البلاغه**، مترجم، محمد صادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.

۵.بحرانی، احمدبن عیسی، (۱۹۹۹م)، **التأویل منهج‌الإستنباط فی‌الإسلام**، چاپ دوم، بی‌جا، دارالتأویل‌للطباعه والنشر.

۶.بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)، **البرهان‌في‌تفسیرالقرآن**، قم، موسسة‌البعثت.

۷.تمیمی‌آمدی، عبدالوحدبن محمد، (۱۴۱۰ق)، **غررالحکم و درر الکلم**، چاپ دوم، قم، دارالکتاب‌الاسلامی.

۸.ثعلبی، احمد، (۱۴۲۲ق)، **الکشف و البیان**، تحقیق ابی‌محمدبن عاشور، بیروت، [بی‌نا].

۹.حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله، (۱۴۱۱ق)، **المستدرک علی‌الصحیحین**. بیروت، دارالمعرفه.

۱۰.حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۴۱۲ق)، **وسائل‌الشیعه الی‌تحصیل مسائل‌الشریعه**، قم، مؤسسۀ آل‌البیت علیهم‌السلام.

۱۱.راغب اصفهانی، حسین، (۱۳۸۷ش)، **المفردات فی‌غریب‌القرآن**، تحقیق محمد خلیل عیتانی، تهران، چاپ آرایه.

۱۲.سیوطی، عبدالرحمن‌بن‌ابی‌بکر، (۱۴۱۴ق)، **الدرمنثور فی‌التفسیر بالماثور**، بیروت، دارالفکر.

۱۳.سیوطی، جلال‌الدین، (بی‌تا)، **جامع‌الصغیر**، بیروت، دارالفکر للطباعه.

۱۴.صدوق، محمدبن‌علی‌بن‌بابویه قمی، (۱۴۱۳ق)، **من‌لایحضره‌الفقیه**، تصحیح: علی اکبر غفاری. قم، مؤسسه نشر اسلامی.

۱۵.طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، **تفسیرالمیزان**، ترجمه محمد موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۶.طبرسی، فضل‌بن حسن، (۱۳۶۳ش)، **مجمع‌البیان**، ترجمه بیستونی، تهران، فراهانی.

۱۷.طوسی، محمدبن‌حسن، (۱۴۰۲ق)، **التبیان‌فی‌تفسیر القرآن**، بیروت، داراحیاء‌التراث.

۱۸.طوسی، محمدبن‌حسن، (۱۴۰۷ق)، **تهذیب‌الأحکام**، تحقیق خرسان. تهران، دارالکتب‌الإسلامیه.

۱۹.عروسی حویزی، عبدعلی‌بن‌جمعه، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر نورالثقلین**، قم، انتشارات اسماعیلیان.

۲۰.عیاشی، محمد، (بی‌تا)، **تفسیر عیاشی**، تهران، مکتبه‌الاسلامیه.

۲۱.فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، (۱۴۰۹ق)، **العین**، چاپ دوم، قم، انتشارات‌هجرت.
۲۲.فیض کاشانی، محمدبن‌شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، **تفسیرالصافی**، تحقیق حسین اعلمی، چاپ دوم. تهران، انتشارات صدر.
۲۳.قرشی، علی‌اکبر، (۱۳۶۴ش)، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه.
۲۴.قمی، علی‌بن‌ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، **تفسیر قمی**، تحقیق، سید طیب موسوی، قم، دارالکتاب.
۲۵.قمی، علی‌بن‌ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، **تفسیرالقمي**، قم، دارالکتاب.
۲۶.قمی‌مشهدی، محمدبن‌محمدرضا، (۱۳۶۸ش)، **تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷.کاشانی، ملا فتح‌الله، (۱۴۲۳ق)، **زبدةالتفاسی**ر، چاپ اول، قم، بنیاد معارف اسلامی.
۲۸.کلینی، محمدبن‌یعقوب، (۱۴۰۵ق)، **اصول کافی**، بیروت، دارالاضواء.
۲۹.کلینی، محمدبن‌یعقوب، (۱۴۰۷ق)، **اصول کافی**، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب‌الإسلامیه.
۳۰.کوفی، فرات‌بن ابراهیم، (۱۴۱۰ق)، **تفسیرفرات‌الکوفي**، تهران، وزارةالثقافة و الإرشادالإسلامي.
۳۱.مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، **بحارالأنوار**، بیروت، مؤسسه‌الوفاء.
۳۲.مفید، محمد، (۱۴۱۱ ق)، **ارشاد**، قم، کنگره شیخ مفید، (نشر دارالمفید).
۳۳.نجفی‌حسینی، سید شرف‌الدین، (۱۳۹۳ش)، **تأویل‌الایات‌الظاهره فی‌فضائل‌العتره‌الطاهره**، ترجمه سیدمحمّد رضوی، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل.
۳۴.همایی، غلامعلی، (۱۳۹۳ش)، **واژه‌شناسی قرآن مجید**، قم، مرکز نشر مصطفیa.

مقاله

۳۵.کلانتری، ابراهیم؛ علوی، حمرا، (۱۳۹۲ش)، «**چیستی عالم امر در آیات قرآن**»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و ششم- شماره۱، صفحه ۱۴۵ تا ۱۶۱.